یادداشت

کوروش محمدخانی
عضو هیأت علمی گروه باستان شناسی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی

فاتحی که با صلح، شهر گشود

کوروش بزرگ، مؤسس سلسله هخامنشیان در سال ۵۵۰ قبل از میلاد، نه تنها یک فاتح نظامی، بلکه یک پادشاه انسانی و مدبر بود که پیام آزادی و احترام به کرامت انسانی را برای نسل‌ها به یادگار گذاشت. «منشور کوروش» شامل پیام‌هایی همچون آزادی و برابری انسان‌ها، آزادی مذاهب و عقاید، آزادی بردگان و تبعیدیان، عدم کار اجباری و احترام به حقوق انسانی است.

۲۵۰۰ سال پیش در زمانی که پادشاهان هم‌عصر کوروش در کتیبه‌ها و استوانه‌های خود تنها از جنگ، خونریزی و کشتار سخن می‌گفتند، کوروش از آزادی، مدارا و عدالت می‌گفت. در سال ۵۳۹ قبل از میلاد، کوروش بزرگ بدون خونریزی وارد شهر بابل شد و این فتح صلح‌آمیز، با آزادی اسیران و احترام به عقاید مذهبی مردم همراه بود. او اسیران را آزاد می‌کرد، اجازه بازگشت آنان به کشورهایشان را می‌داد و به عقاید مذهبی احترام می‌گذاشت.

نمونه روشن آن بازگرداندن «مردوک»، خدای بزرگ بابلی‌ها، به پرستشگاه خود پس از تبعید توسط نبونئید است. این اقدام، احترام کوروش به فرهنگ و عقاید مردم فتح‌شده را نشان می‌دهد. کوروش بزرگ، یهودیان را از اسارت بابلیان آزاد کرد و اجازه داد به وطن خود، بازگردند و معبدشان را بازسازی کنند. در زمان خود، این اقدام نه تنها عدالت تاریخی بود، بلکه نمادی از احترام به حقوق اقلیت‌ها و آزادی انسان‌ها شد.

منشور کوروش در شهر بابل، واقع در خاک عراق امروزی، توسط آقای هرمز رسام در سال ۱۸۷۹ کشف شد. این منشور در سال ۵۳۸ یا ۵۳۹ قبل از میلاد نوشته شده است و فتح بدون خونریزی بابل دلیل نامگذاری روز هفتم آبان به عنوان روز ملی کوروش بزرگ در ایران است.

در سال ۱۹۷۱ این منشور به دلیل اهمیت جهانی آن در سازمان ملل به تمام زبان‌های

زنده دنیا ترجمه و به عنوان اولین منشور حقوق بشر نامگذاری شد. ثبت منشور کوروش در یونسکو، نه تنها یک تأیید بین‌المللی از ارزش تاریخی و فرهنگی این سند است، بلکه نمادی است از ریشه‌های تاریخی حقوق بشر، آزادی مذهبی و عدالت اجتماعی و الگویی الهام‌بخش برای امروز و فردای جهان.

این منشور یک سند واقعاً جهانی است که نه تنها متعلق به ایران، بلکه بخشی از میراث مردم عراق، افغانستان و تاجیکستان نیز هست، چرا که این کشورها به زبان و فرهنگ فارسی پیوند دارند و این اثر تاریخی مایه افتخار تمامی مردم منطقه است. علاوه بر این، منشور به زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده و نسخه‌ای از آن در سازمان ملل نگهداری می‌شود.

در رشته‌های تاریخ و باستان‌شناسی، منشور کوروش به عنوان اولین منشور حقوق بشر تدریس می‌شود. دانشجویان و پژوهشگران در دوره‌های هخامنشی و تاریخ باستان با متن و ترجمه منشور آشنا می‌شوند.

آزادی‌ای که در منشور کوروش آمده با آنچه ما امروز به عنوان حقوق بشر دنبال می‌کنیم، تفاوت ندارد، آزادی، آزادی است. آزادی‌ای که در زمان کوروش بوده، بسیار با اهمیت‌تر است. در آن دوره، مردم با مفهوم آزادی چندان آشنا نبودند، حکومت‌ها به شکل دیکتاتوری اداره می‌شدند و آزادی مذهبی عملاً وجود نداشت. اقدام کوروش برای احترام به عقاید، آزادی اسیران و رعایت عدالت، نمونه‌ای کم‌نظیر از آزادی انسانی در آن زمان بود. آزادی در تمام دوران‌ها از جمله در زمان کوروش، یک مفهوم ثابت و ارزشمند است.

کوروش، بردگان یهودی را آزاد می‌کند تا به وطن خود برگردند چون پادشاهان بابلی آنها را به‌عنوان برده دستگیر کرده بودند. امروز منطقه‌ای که منشور کوروش در آن شکل گرفت، شاهد جنگ‌ها و درگیری‌های گسترده است؛ اسرائیل با فلسطین، لبنان، یمن و حتی ایران می‌جنگد. در چنین شرایطی ثبت منشور کوروش توسط یونسکو و توجه سازمان ملل، یک پیام جهانی و صلح‌آمیز ارسال می‌کند: یادآوری اینکه صلح، آزادی و احترام به کرامت انسانی، همواره ممکن و ضروری است.

استوانه کوروش، سند بنیادین در حقوق بشر خوانده شد

شکوه تمدن از بابِل تا یونسکو

گزارش

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست‌بوم

با تصویب منشور کوروش در یونسکو به عنوان «سندی بنیادین در تاریخ تمدن بشری»، این استوانه باستانی بار دیگر توجه جهانیان را به پیام‌های انسان‌دوستانه خود جلب کرد. شاهرخ رزمجو، باستان‌شناس و مترجم منشور، با اشاره به غیرمعمول بودن رفتار کوروش در دوران باستان، تأکید می‌کند که این سند گزارش یک فتح بدون غارت، کشتار و تخریب است؛ فاتحی که به باورها و حقوق مردم شکست‌خورده احترام گذاشت و الگویی ماندگار از مدارا و عدالت را در تاریخ ثبت کرد. امروز، این منشور پس از بیش از ۲۵ قرن، در یونسکو به عنوان اولین نمود مکتوب احترام به تنوع فرهنگی و حقوق بشر طنین‌انداز شد.

شاهرخ رزمجو، باستان‌شناس، متخصص دوره هخامنشی و مترجم استوانه کوروش، درباره ثبت این سند در یونسکو می‌گوید: «استوانه کوروش پیام جهانی مهمی به ما می‌دهد و اهمیت آن در تاریخ بشر غیرقابل انکار است.»

رفتار انسانی در روزگار شمشیر و فتح

او استوانه کوروش را یک گزارش می‌داند و توضیح می‌دهد که تا سطر نوزدهم احتمالاً نوشته روحانیون بابلی است که از کوروش به عنوان سوم‌شخص یاد کرده‌اند. از سطر بیستم به بعد، سخنان خود کوروش است که نوعی کارنامه او در رفتار با سرزمین شکست‌خورده را ارائه می‌دهد. او به احترام کوروش به مردم اشاره می‌کند: «نیروهایش وارد شهر می‌شوند بدون غارت، کشتار یا خونریزی، دروازه‌های شهری باز می‌شوند و امنیت در بابل و مراکز مذهبی برقرار می‌شود. مردم از بیگاری برای کارهای اجباری که «نبونئید» از آنها خواسته بود، رها می‌شوند و کوروش به ساخت‌وساز در بابل می‌پردازد.»

رزمجو این رفتار را در دوران باستان غیرمعمول می‌داند و می‌گوید: «در دوران باستان، شهری که فتح یا تسلیم می‌شد معمولاً مورد غارت و کشتار قرار می‌گرفت و اعتقادات مردم نابود می‌شد. مثالی می‌زند از حمله اسکندر به تخت جمشید که با وجود تسلیم، دچار تاراج، سوزاندن و کشتار شد.»

مخاطب گفته‌های کوروش، «مردمی هستند که از او شکست خورده‌اند و شهری که سقوط کرده و به دست کوروش افتاده است.» رزمجو، احترام کوروش به بابل و اهالی بابل را نشانه احترام او به «حقوق انسانی» می‌داند. او درباره تفاوت استوانه کوروش با منشور مدرن می‌گوید: «منشور معمولاً به مفهوم مدرن خود دارای بندهای مشخص و تیتروار است، اما استوانه کوروش گزارش یک پیروزی و بیانیه‌ای از رفتار کوروش با مردم سرزمین شکست‌خورده است که به عنوان دشمن با آنها برخورد نمی‌کند.»

رزمجو به دستگیری نبونئید، آخرین پادشاه مقتدر بابل، اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که کوروش پس از دستگیری نبونئید، او را نمی‌کشد، بلکه بنا بر شواهد نوشتاری او را به کرمان تبعید می‌کند. حتی دختر بزرگ نبونئید که «کاهنه بزرگ» پرستشگاه شهر «اور» بود، مقام خود را حفظ می‌کند و در پرستشگاه باقی می‌ماند. این نشان می‌دهد کوروش خانواده نبونئید و حتی بسیاری از مقامات دشمن را برکنار نمی‌کند، در حالی که فاتحان دیگر معمولاً شهرها را نابود می‌کردند و گنجینه‌ها را به غارت می‌بردند و دست به کشتار می‌زدند. او در استوانه می‌گوید: «برای آبادانی شهر کوشیدم.» کوروش در نوشته‌های دیگرش هم بیان کرده که صلح و آرامش را در سرزمین‌ها برقرار کرده است.

رزمجو تأکید می‌کند که با وجود عدم شناخت مفهوم «حقوق بشر» در آن زمان، رعایت حقوق انسانی دشمنان از متن، برداشت می‌شود. او به بازگرداندن مردمی که در بابل در اسارت به سر می‌بردند اشاره کرده و توضیح می‌دهد که آنها با خرج خزانه به سرزمین‌های خود بازگردانده شدند، هرچند نام این مردمان در استوانه ذکر نشده است.

کوروش به باورهای مذهبی مردم بابل احترام می‌گذاشت. نبونئید، خدای ماه را جایگزین خدای مردوک کرده بود که باعث نارضایتی مردم بابل شده بود. در باور مردم میانرودان، هر شهر دارای یک خدای حامی بود و نبود خدای شهر به معنای بی‌پشتیبان بودن آن شهر به شمار می‌رفت.

باستان شناسان اثری از تخریب نیافتند

رزمجو به آجرنوشته‌های باقی‌مانده در نقاط مختلف اشاره می‌کند که حرف‌های کوروش در استوانه را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند برای پرستشگاه‌ها ساخت‌وساز انجام شده است. او همچنین شواهد نوشتاری و باستان‌شناسی موجود در بابل را شاهد می‌آورد و می‌گوید: «باستان‌شناسانی که در بابل کاوش کرده‌اند، هیچ آثاری از تخریب در لایه‌های باستانی زمان حضور کوروش در بابل مشاهده نکرده‌اند.» گل‌نوشته‌های مردم عادی که دقیقاً همزمان با فتح بابل نوشته شده‌اند نیز نشان می‌دهند زندگی روزمره در جریان بوده و لشکرکشی کوروش، زندگی عادی شهروندان را مختل نکرده است.

> کوروش پس از دستگیری نبونئید، او را نمی‌کشد، بلکه بنا بر شواهد نوشتاری او را به کرمان تبعید می‌کند. حتی دختر بزرگ نبونئید که «کاهنه بزرگ» پرستشگاه شهر «اور» بود، مقام خود را حفظ می‌کند و در پرستشگاه باقی می‌ماند

عکس: سازمان ملل

احترام افلاطون برای کوروش

رزمجو به اسناد غیرایرانی اشاره می‌کند که محبوبیت کوروش را نشان می‌دهند؛ از جمله نوشته‌های کتاب عهد عتیق، یونانیان، بویژه افلاطون که از کوروش با احترام یاد کرده‌اند. اینها نشان می‌دهد کوروش در جهان باستان نزد ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف محبوبیت داشته است. این محبوبیت به دلیل رفتار او با مردم و دشمنانش بود که از یک فاتح و کشورگشا انتظار نمی‌رفت.

رزمجو درباره ثبت منشور کوروش در زمان کنونی می‌گوید: «این منشور می‌تواند نمونه و الگویی برای رفتار انسانی با مردم باشد.» او درباره تلاش کشورهای ایران، تاجیکستان و عراق برای ثبت این منشور می‌گوید که این تلاش با حمایت کشورهای دیگر همراه بوده است. لوح در سال ۱۸۷۹ همزمان با دوره قاجار در سرزمینی کشف شد که امروزه عراق نامیده می‌شود و در آن زمان بخشی از قلمرو خلافت عثمانی بود. این لوح برای پی بنا نوشته شده است. علاوه بر استوانه کوروش، متن‌های دیگری نیز وجود دارند که مشابه متن استوانه بوده و به زبان و خط بابلی نوشته شده‌اند و مخاطبشان مردم بابل بوده‌اند.

رزمجو درباره محل لوح توضیح می‌دهد: «این استوانه در زیر بخشی از دیواری به نام ایمگور-انلیل در جنوب شهر بابل قرار داشته است. کوروش در متن اعلام می‌کند که ساخت و بازسازی این دیوار را به پایان رسانده است.» او همچنین تأکید می‌کند که کوروش به پرستشگاه‌ها در سرزمین‌های فتح شده احترام گذاشته و در متن استوانه، از خدای مردوک، خدای بزرگ شهر بابل با احترام یاد کرده است.

کوروش؛ فاتحی که عدالت را ابزار حکومت ساخت

الگوی حکمرانی خردمندانه

گزارش

گروه زیست‌بوم

در پی ثبت رسمی منشور کوروش در فهرست آثار جهانی یونسکو، سیروس نصرالله‌زاده، رئیس پژوهشکده زبان‌شناسی این رویداد را فراتر از یک موفقیت نمادین دانست و تأکید کرد که منشور کوروش یادآور بنیانگذاری اولین الگوی حکمرانی انسانی در تاریخ است؛ الگویی که بر عدالت، مدارا، آزادی و احترام به تنوع فرهنگی استوار بود و اندیشه‌اش قرن‌ها بعد نیز الهام‌بخش فیلسوفان و سیاستمداران جهان شد.

سیروس نصرالله‌زاده
عضو ستاد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی و رئیس پژوهشکده زبان‌شناسی

سیروس نصرالله‌زاده، عضو ستاد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی و رئیس پژوهشکده زبان‌شناسی، ثبت رسمی منشور کوروش در فهرست آثار جهانی یونسکو را «اتفاقی مهم و ارزشمند در عرصه فرهنگ و تمدن بشری» دانست، اما تأکید کرد که این رویداد باید با درکی عمیق از پیام انسانی و فلسفه کوروش بزرگ همراه باشد، نه صرفاً با نگاهی نمادین یا سیاسی.

او در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به اهمیت این رخداد گفت: «منشور کوروش، آن‌گونه که امروز تعبیر می‌شود شاید دقیقاً معادل منشور حقوق بشر به مفهوم مدرن نباشد. در روزگار کوروش، مفاهیمی مانند حقوق بشر به معنای امروزی‌اش هنوز شکل نگرفته بود و حتی پژوهشگران غربی نیز چنین نگاهی نداشتند. با این حال نمی‌توان انکار کرد که کوروش شخصیتی استثنایی در تاریخ بشریت است.»

نصرالله‌زاده با اشاره به نگاه اندیشمندان باستان به این پادشاه ایرانی افزود: «در دوران باستان، نویسندگان یونانی و فیلسوفانی چون افلاطون به منش و رفتار کوروش توجه ویژه‌ای داشتند. گزنفون در اثر معروف خود کوروپدیا یا تربیت کوروش، گرچه روایتی تخیلی و داستان‌گونه ارائه می‌دهد، اما همین روایت بر پایه تصویری واقعی از منش و اخلاق کوروش بنا شده است.»

این پژوهشگر تأکید کرد: «کوروش اولین فرمانروایی بود که توانست امپراطوری منسجم و جهانی پایه‌گذاری کند. پیش از او، حکومت‌هایی مانند آشور صرفاً در پی گسترش قلمرو منطقه‌ای بودند، اما کوروش با بنیانگذاری دولت پارس، آنچه هگل بعدها «نخستین دولت واقعی» نامید، الگوی تازه‌ای از فرمانروایی انسانی، منظم و خردمندانه را به جهان عرضه کرد.»

محتوای انسانی منشور کوروش

او درباره محتوای انسانی منشور کوروش گفت: «در متن منشور، کوروش می‌گوید که همه مردم را آزاد کردم تا به سرزمین‌های خود بازگردند، صلح و آرامش را برقرار نمودم و منابع را میان ملت‌ها تقسیم کردم. چنین رویکردی در تاریخ باستان بی‌سابقه است. پیش از آن، هیچ فرمانروایی از رهایی ملت‌های مغلوب و بازگرداندنشان به سرزمین خود سخن نگفته بود. این یک تحول بزرگ در مفهوم قدرت و انسانیت است.»

نصرالله‌زاده افزود: «گستره فرمانروایی کوروش بسیار وسیع بود. او در مدت زمانی کوتاه توانست قلمرویی پهناور را تحت نظامی منظم و انسانی اداره کند. پس از او، داریوش این سنت‌ها را ادامه داد و همان اصول تسامح و تساهل ایرانی را در ساختار حکمرانی خود حفظ کرد. این میراث فکری، مبنای اداره یکی از بزرگ‌ترین امپراطوری‌های تاریخ شد.»

وی درباره ویژگی‌های منحصربه‌فرد این نظام سیاسی گفت: «شگفتی مورخان یونانی نیز از همین‌جا ناشی می‌شد. در امپراطوری هخامنشی، مردمان با آیین‌ها و مذاهب گوناگون اجازه داشتند آزادانه عبادت کنند. بابِلی‌ها با آیین خود، مصری‌ها با سنت‌های خود و دیگر اقوام نیز به همان ترتیب. حتی پسر کوروش- خشایارشا- در مصر عنوان سلطنتی همان کشور را پذیرفت تا احترام به فرهنگ‌ها حفظ شود؛ هیچ‌گاه اصرار بر تحمیل عنوان یا آیین ایرانی وجود نداشت. این رویکرد، پدیده‌ای کاملاً نو در جهان باستان بود.»

او ادامه داد: «در واقع، کوروش اولین کسی بود که نوعی امپراطوری جهانی و چندقومیتی را با احترام متقابل میان ملت‌ها شکل داد. از قفقاز و آناتولی تا آسیای مرکزی و سرزمین‌های شرقی مانند منطقه پاکستان امروزی، همه در قلمروی او بودند و با وجود تفاوت‌های زبانی، فرهنگی و دینی، نظم و آرامش برقرار بود. اداره چنین گستره‌ای کار ساده‌ای نبود و همین نشان می‌دهد که ساختار فکری و مدیریتی ایران باستان چقدر پیشرفته بوده است.»

نصرالله‌زاده تأکید کرد: «نکته مهم این است که ما امروز درباره کوروش فقط از منظر ملی سخن نمی‌گوییم، بلکه این جایگاه از سوی تمدن‌های دیگر هم تأیید شده است. یونانیان، بویژه آتنی‌ها، احترام ویژه‌ای برای کوروش قائل بودند و از او به عنوان الگوی فرمانروای خردمند یاد می‌کردند. حتی در دوره‌های بعد، شخصیت‌هایی مانند توماس جفرسون در آمریکا یا متفکران اروپایی چون ماکیاولی نیز از او الهام گرفتند. ماکیاولی که دغدغه وحدت ایتالیا را داشت، کوروش را نمونه‌ای از پادشاهی دانست که توانست ملتی را متحد و سامان دهد.»

> ماکیاولی که دغدغه وحدت ایتالیا را داشت، کوروش را نمونه‌ای از پادشاهی دانست که توانست ملتی را متحد و سامان دهد

عکس: ایرنا

بازتاب در تاریخ اندیشه سیاسی جهان

وی افزود: «بنابراین اهمیت کوروش فقط در گذشته ایران نیست، بلکه در تاریخ اندیشه سیاسی جهان نیز بازتاب دارد.»

کوروش، برخلاف فرمانروایان فاتح، آزادی عمل به ملت‌ها می‌داد و اجازه می‌داد هر قوم با آیین خود زندگی کند. این رویکرد در آن دوران بی‌سابقه بود.»

نصرالله‌زاده در ادامه گفت: «در تاریخ یهود نیز کوروش جایگاهی ویژه دارد. او اولین شخصیتی است که در متون عبری از وی با عنوان «مسیح» یاد شده، چراکه یهودیان را از اسارت بابل آزاد کرد. این عنوان نشان‌دهنده جایگاه انسانی و نجات‌بخش او در نگاه ملت‌های دیگر است. کوروش تنها یک پادشاه ایرانی نبود؛ نماد اندیشه‌ای جهانی بود که بر آزادی، عدالت و کرامت انسان استوار است.»

او در مقایسه با دوره‌های بعدی افزود: «برای مثال، در دوره ساسانی، زمانی که مسیحیت در روم رسمی شد، دولت ایران با آن به‌عنوان دشمن نگاه می‌کرد و تلاش شد تأثیر آن بر قلمرو ایرانی کاهش یابد. این در حالی است که در دوره هخامنشی، تسامح و احترام به فرهنگ‌های دیگر اصل بود.»

وی با اشاره به هنر و معماری گفت: «هخامنشیان در حوزه معماری و هنر نیز این رویکرد را دنبال کردند. بسیاری از بناها و آثار هنری آنان برگرفته از هنر بین‌النهرین و اورات بود، اما در عین حال سبک ویژه‌ای خلق کردند که امروز به نام «هنر هخامنشی» شناخته می‌شود. این هنر ترکیبی خردمندانه از فرهنگ‌های مختلف با حفظ اصالت هر ملت بود و همان پیام جهانی حکومت کوروش و جانشینان او را بازتاب می‌دهد: امپراطوری‌ای که بر پایه عدالت، مدارا و تنوع فرهنگی استوار است.»